

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# بلوغ دختران در فقه اسلامی

نویسنده :

ژیلا بهرام زاده

(کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق)

انتشارات نیک آموز

۱۳۹۴

www.ketab.ir

سرشناسه	: بهرام زاده، ژیللا، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: بلوغ دختران در فقه اسلامی / تألیف ژیللا بهرام زاده.
مشخصات نشر	: اردبیل: نیک آموز، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۴ ص.
شابک	: ۹۷۸۹۶۴۲۹۲۱۶۴۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: بلوغ (فقه)
موضوع	: دختران -- وضع حقوقی و قوانین (فقه)
رده بندی کنگره	: BP/۵۲/۱۸۹/ب ۸ب ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲-۹۴۰۰



انتشارات نیک آموز

نام کتاب: بلوغ دختران در فقه اسلامی

تألیف: ژیللا بهرام زاده

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه آرا و طراح روی جلد: علیرضا خانی

چاپ: پیشگام

سال چاپ: ۱۳۹۴ چاپ اول

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۲۱-۶۲-۱

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش: اردبیل، میدان امام، جنب مصلی، بوستان کتاب تلفن: ۳۳۲۴۸۹۴۴-۰۴۵

## فهرست مطالب

- ۱۰.....تقدیم به.....
- ۱۱.....چکیده.....
- ۱۳.....کلید واژه.....
- ۱۴.....مقدمه.....
- فصل اول - کلیات و تعاریف بلوغ
- ۲۰.....۱-۱-بلوغ.....
- ۲۰.....۱-۱-۱-بلوغ در لغت.....
- ۲۰.....۱-۲-۱-بلوغ در اصطلاح.....
- ۲۲.....۱-۳-۱-اهمیت موضوع بلوغ.....
- ۲۳.....۱-۴-۱-دوران قبل از بلوغ.....
- ۲۵.....۱-۵-۱-وظایف والدین قبل از بلوغ فرزندان.....
- ۲۸.....۱-۶-۱-عمد کودک نابالغ خطاست.....
- ۲۸.....۱-۷-۱-عوامل موثر در دختران.....

- ۲۹..... ۸-۱-۱- نشانه های بلوغ طبیعی
- ۳۰..... ۹-۱-۱- سن شروع بلوغ و تکمیل آن
- ۳۲..... ۱۰-۱-۱- بلوغ یک امر تکوینی یا تعبدی
- ۳۶..... ۲-۱- انواع بلوغ
- ۳۶..... ۱-۲-۱- بلوغ طبیعی و سن آن
- ۳۷..... ۲-۲-۱- بلوغ نکاح
- ۳۹..... ۳-۲-۱- بلوغ خلم
- ۴۳..... ۴-۲-۱- بلوغ اشد
- ۴۵..... ۳-۱- مبانی فقهی حقوق فرد بالغ
- ۴۵..... ۱-۳-۱- کتاب
- ۴۸..... ۲-۳-۱- سنت
- ۴۸..... ۱-۲-۳-۱- روایات بلوغ جنسی
- ۵۲..... ۲-۲-۳-۱- روایات بلوغ سنی
- ۵۴..... ۴-۱- سن تکلیف

۵۶..... ۱-۵- سن بلوغ از بعد دیدگاهها

۵۶..... ۱-۵-۱- دیدگاه فقهای امامیه

۶۰..... ۱-۵-۲- فقهای عامه

۶۱..... ۱-۶- دیدگاه مخالفان نه سالگی

۶۴..... ۱-۷- بررسی نظر فقهای شیعه

۶۶..... ۱-۸- بیان دو اشکال و پاسخ آن

۶۸..... ۱-۹- بلوغ در قانون مدنی ایران

۶۹..... ۱-۱۰- جمع بندی مطالب

۷۴..... ۱-۱۱- آمار قاعدگی دختران

## فصل دوم- رشد دختران

۷۸..... ۲-۱- تبیین مفهوم رشد

۷۸..... ۲-۱-۱- رشد در لغت

۷۹..... ۲-۱-۲- رشد در اصطلاح

- ۷۹..... ۱-۲-۱-۲- رشد حقوقی به معنای عام
- ۸۰..... ۲-۲-۱-۲- رشد حقوقی به معنای خاص
- ۸۱..... ۱-۲-۲- عوامل ارثی (قبل از تولد) تاثیر آنه در رشد
- ۸۲..... ۳-۲-۲- عامل تفاوت های فردی و تاثیر آن در رشد از دیدگاه اسلام
- ۸۴..... ۳-۲- مفهوم کیفی رشد
- ۸۵..... ۴-۲- ملاک مجازات کیفی
- ۸۷..... ۵-۲- حکم رشد در قرآن و سنت
- ۸۹..... ۶-۲- آزمون رشد
- ۹۱..... ۷-۲- شرط رشد در داد ستد ها
- ۹۲..... ۸-۲- اثبات رشد پیش از بلوغ
- ۹۴..... ۹-۲- احراز رشد بعد از بلوغ
- ۹۴..... ۱-۹-۲- رای هیات عمومی دیوان عالی کشور
- ۹۶..... ۲-۹-۲- لزوم اجتماعی اماره رشد
- ۹۶..... ۳-۹-۲- سن رشد و مسئولیت کیفی

۹۷..... ۲-۹-۴- عقل یکی از موهبت های الهی.....

۹۸..... ۲-۹-۵-- تاثیر عقل در رشد.....

۱۰۰..... ۲-۱۰-۱- غیر رشید به معنی عام.....

۲-۱۰-۲- آثار افعال

۱۰۱..... غیر رشید.....

۱۰۲..... ۲-۱۱- نظر کمیون استفتاعات عالی قضایی.....

۱۰۴..... ۲-۱۲- جمع بندی مطالب.....

فصل سوم- ازدواج دختران

۱۰۷..... ۳-۱- نکاح.....

۱۰۷..... ۳-۱-۱- نکاح در لغت.....

۱۰۸..... ۳-۱-۲- نکاح در اصطلاح.....

۱۰۹..... ۳-۲- اهمیت نکاح.....

۱۱۰..... ۳-۳- اهداف ازدواج در اسلام.....

۱۱۱..... ۳-۴- تعجیل در ازدواج از نظر اسلام.....

- ۱۱۳.....۵-۳- بررسی نکاح قبل از بلوغ.....
- ۱۱۳.....۱-۵-۳- ماده ۱۰۴۱ اصلاح شده در سال ۱۳۷۰.....
- ۱۱۴.....۲-۵-۳- ماده ۱۰۴۱ قبل از اصلاح.....
- ۱۱۴.....۳-۵-۳- ماده سوم قانون ازدواج.....
- ۱۱۶.....۴-۵-۳- تغییر ماده ۱۰۴۱ قانون اساسی.....
- ۵-۵-۳- بررسی فقهی ازدواج دختران
- ۱۱۹.....نابالغ.....
- ۱۲۳.....۶-۵-۳- حق خیار فسخ پس از بلوغ.....
- ۱۲۳.....۱-۶-۵-۳- نظر مخالفان حق خیار.....
- ۱۲۵.....۲-۶-۵-۳- نظر موافقان حق خیار.....
- ۱۲۷.....۶-۳- نکاح بعد از بلوغ.....
- ۱۲۷.....۱-۶-۳- خلاف اصل بودن ولایت.....
- ۱۲۹.....۲-۶-۳- ضمانت اجرا.....
- ۱۳۰.....۳-۶-۳- اولیاء عقد.....
- ۱۳۲.....۷-۳- هنجار دینی سن ازدواج.....



۱۳۳..... ۳-۸- معیارهای سنی ازدواج از نظر شرع.....

۱۳۵..... ۳-۹- تعیین حداقل سن برای ازدواج.....

۱۳۶..... ۳-۹-۱- سن ازدواج در ایران.....

۱۳۷..... ۳-۹-۲- عوامل افزایش سن ازدواج.....

۱۳۹..... ۳-۱۰- تغییرات مجمع تشخیص مصلحت نظام.....

۱۴۲..... ۳-۱۱- نقدی بر سن ازدواج.....

۱۴۵..... ۳-۱۲- در سن نکاح موارد زیر قابل ایراد است.....

۱۴۷..... نتیجه گیری.....

۱۵۲..... کتابنامه.....

۱۶۳..... چکیده انگلیسی.....

www.kelap.ir

## چکیده

بلوغ در لغت به معنای رسیدن به امری است و در اصطلاح عبارت است از رسیدن فرایند رشد به مرحله‌ی فعلیت یافتن استعدادهای جنسی، این مفهوم در قرآن کریم با سه ترکیب: حلیم، نکاح و اشدّ به کار رفته است. الفاظ دیگری هستند که از لحاظ معنایی با بلوغ در ارتباط هستند و از بعضی جهات با آن فرق دارند. (تمییز و مراهقه و عقل و رشد) اکثر فقها تمامی موارد مذکور را مقدم بر رشد می‌دانند، پزشکان و روانشناسان مجموعه تغییرات رشد جسمانی را که امکان تولید مثل را در شخص بوجود می‌آورد بلوغ می‌نامند. این مجموعه تغییرات در یک محدوده‌ی زمانی و به تدریج حاصل می‌شوند که به صورت انزال (احتلام) در پسران و (حیض) در دختران ظاهر شده است، لیکن حدوث اولیه آنها به معنای توانایی تولید مثل نیست.

در ضمن به علت تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر بلوغ نمی‌توان ضابطه‌ای جامع و مانع برای آغاز زمانی بلوغ در نظر گرفت. در منابع فقهی و اصولی تعریف دقیقی از بلوغ ارائه نشده، حتی ماهیت آن هم محل اختلاف نظر بوده و عده‌ای آن را امری تبعدی و تشریحی می‌دانند.

غالب فقهای امامیه بر این رأی هستند و به استناد روایات که در متن پایان نامه آمده است، بلوغ پسران را در پانزده سالگی و دختران را در نه سالگی می‌دانند (قمری)، ولی جمهور فقهای اهل سنت ضمن استناد به برخی از احادیث و توجه به

عدم انضباط این پدیده در شرایط مکانی و زمانی مختلف، آن را یک مسأله طبیعی دانسته و علائم ظاهری را مقدم بر سنّ می دانند و چنانچه بنا به دلایلی هیچکدام از علائم معتبر ظاهر نشدند در مقطع مشخصی از عمر، حکم به بلوغ داده می شود.

زمان ازدواج به عوامل زیادی بستگی دارد ولی برای افرادی که به وسیله ازدواج نکردن به گناه آلوده می شوند، ازدواج نمودن واجب است و زمان و سنّ خاصی را نمی توان معرفی نمود. هر زمانی و در هر سنی که آدمی از حفظ گوهر پاکی عاجز گردد باید ازدواج کند. عوامل فرهنگی و اجتماعی بیش از سایر عوامل در افزایش سنّ ازدواج دختران نقش دارد.

میزان تحصیلات با افزایش سنّ ازدواج رابطه مستقیم دارد، با ایجاد ثبات فرهنگی میانگین سنّ ازدواج دچار کاهش خواهد شد.

## مقدمه

یکی از مسائلی که جنبه فقهی و علمی دارد مسأله بلوغ است این مسئله در فقه شیعه و اهل سنت مورد بحث واقع شده و سنین مختلفی را اماره برای آن قرار داده اند.

طبق نظر اکثر فقهای شیعه سن بلوغ در دختران ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است مگر آنکه علایم دیگر بلوغ که احتلام و در آمدن موی زهار است، قبل از رسیدن به این سن ظاهر شده باشد. با توجه به اینکه بلوغ دارای احکام تکلیفی و وضعی خاصی می باشد و ثبوت این احکام در سن ۹ سالگی برای دختران نمی تواند مطلقاً قابل قبول باشد، لازم دانستیم این مسأله را هم از نظر لغت و هم از نظر قرآن و سنت و کلمات فقها مورد بررسی قرار دهیم.

با بررسی هایی که به عمل آمده است این نتیجه حاصل می شود که مقصود از بلوغ در اسلام بلوغ جنسی است یعنی رسیدن پسر و دختر به سنی که قوای تناسلی آنان به حد کمال رسیده باشد و بطور طبیعی بتوانند تولید مثل نمایند و هرگاه به این حد از کمال نرسند، بالغ نیستند و احکام تکلیفی و وضعی متوجه آنان نمی گردد.

دختران در ۹ سالگی هر چند ممکن است تکامل جنسی و غریزی پیدا کنند، اما غالباً در این سن به حد بلوغ نمی رسند، بلوغ در سن ۹ سالگی یک بلوغ زودرس

می باشد، نمی توان سن ۹ سالگی را اماره بلوغ دانست، زیرا اماره وقتی می تواند یک اماره محسوب گردد که دائمی یا حداقل غالبی باشد.

شبهه ای که در بلوغ دختران رخ داده است ناشی از بعضی روایات سن ۹ سالگی است و فقهای عظام رضوان الله تعالی علیهم هر چند توجه داشته اند که بلوغ مطلقاً بلوغ جنسی و غریزی است اما تصور نموده اند که باتوجه به بعضی روایات، ۹ سالگی می تواند اماره تعبدی بر بلوغ باشد. در این مقاله اثبات شده است که هر چند دختران می توانند در سن ۹ سالگی بلوغ جنسی پیدا کنند. حتی قبل از رسیدن به این سن هم دیده شده که به حد بلوغ جنسی رسیده اند، اما چون به طور نادر اتفاق می افتد، نمی تواند اماره بر بلوغ طبیعی باشد.

فقهای شیعه هر چند به روایت ۹ سال عمل کرده اند، اما نمی توان در این چنین مسایل از آنان تعبداً تبعیت کرد، بلکه نمی توان به این روایات عمل نمود زیرا: اولاً با روایات دیگر سازگار نیستند و ثانیاً با واقعیت خارجی مطابقت ندارند و ثالثاً با ملاکی که در قرآن کریم برای بلوغ ذکر شده است (رسیدن به حد احتلام)، هماهنگ نمی باشد و اگر بفرض بخواهیم به آن عمل نماییم لازم است آنها را وقتی مورد عمل قرار دهیم که ثابت گردد که دختری در سن ۹ سالگی به حد بلوغ جنسی رسیده است، اما نمی توانیم معتقد باشیم که دختران در سن ۹ سالگی مطلقاً بالغ می شوند و همیشه ۹ سالگی در آنان اماره بلوغ است.

به نظرمی رسد با مراجعه به آیات و روایات مربوطه این نکته روشن تر گردد که اصل، همان دو پدیده طبیعی جسمانی یعنی حیض در دختران و احتلام در پسران است و دیگر علائم یا سن که نوعیت دارند و معمولاً با شرایط و احوال اکثریت افراد، تطابق دارد، ملاک اصلی نیست، شاهد این مدعا اختلاف روایات درباره سن است که به شرایط اقلیمی و محیطی بستگی دارد پس سن کاشفیت از بلوغ است و مناط تشخیص بلوغ بستگی به شرایط محیطی دارد.

سن نه سالگی در دختران از آن جهت مطرح بوده که نوعاً پایین ترین سن و حد امکان حیض در دختران بوده و زودتر از ۹ سالگی، هیچ دختری بالغ نمی شود. از روایات داخل متن به خوبی بر می آید که دختران در آن جامعه و دوره در همین حدود ۹ سالگی خون می دیده اند. روایاتی که برای بلوغ سن های مختلفی را ذکر می کند، معنایش این است که این امر تکوینی امکان دارد در هر کدام از آن سن هایی که مطرح شده است، تحقق پیدا کند.

پس چون بلوغ یک امر تکوینی است بنابراین امارات آن نیز باید تکوینی باشند و علائمی چون سن که یک امر قراردادی است نمی تواند اماره تشخیص بلوغ باشد مگر اینکه سن فقط ناظر به مناطق خاصی باشد.

کلیه ی احکام تکلیفیه در مرد و زن مشروط به بلوغ است. در احکام وضعیه هم، جای بحث است که آیا آن هم مشروط به بلوغ است یا اینکه احکام وضعیه ارتباطی به بلوغ ندارند.

هرچه را شارع به یکی از احکام خمسسه ی واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح متصف کرده است شرط صحت آن اعمال، منوط به بلوغ است.

بلوغ مرحله ی گذر از کودکی و رسیدن به بزرگسالی است، و در واقع دوره ی رشد سریع فیزیکی، عقلانی و عاطفی می باشد. انحراف فرآیندهای بلوغ از محدوده ی طبیعی می تواند بطور زیان بار روی کودک از لحاظ فیزیکی اثر بگذارد و به همان اندازه رشد و تکامل عاطفی، روانی و اجتماعی او را متلاشی کند.

علماء می گویند: «إِنَّمَا يَزُولُ الْحَجَرُ عَنِ الصَّبِيِّ بِامْرِينِ، الْبُلُوغِ وَ الرَّشْدِ...»

یعنی به محض رسیدن کودک به امر بلوغ و رشد، حجر از او محو می شود.<sup>۱</sup>

پس پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده اند از محجورین هستند. به محض رسیدن به بلوغ حجر آنها محو می شود، بدون اینکه احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد، اگر پیش از بلوغ به حدی رسند که دارای تمیز باشند آنها را صغیر ممیز گویند.

<sup>۱</sup> - علامه حلی، یوسف ابن علی بن مطهر، تذکره الفقها، ج ۲، ص ۷۴

صغیر ممیز، محجور محسوب می شود (طبق ماده ی ۱۲۱۲ق.م)، اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط به اموال و حقوق مالی او باشد، باطل و بلا اثر است ولی صغیر ممیز میتواند تملک بلا عوض کند، مثل قبول هبه و صلح بلا عوض و حیات مباحات<sup>۱</sup>.

www.ketab.ir

<sup>۱</sup> - کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی قواعد قراردادها، ج ۲، ص ۱